



رکود اقتصادی؛

زنگ خطر توسعه

شرکت کنندگان
در میزگرد

اشاره

درآمدهای ارزی کشور ناشی از استخراج و فروش نفت بویژه در چند سال اخیر افزایش قابل ملاحظه ای یافته است و بدیهی است استفاده درست در جهت هدایت این منابع ارزی و سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی از اهداف مهم توسعه اقتصادی کشور محسوب می شود.

اما به رغم افزایش درآمدهای ارزی، کشور همچنان با تورم دورقمی بیش از ۱۵ درصد، پایین بودن تولید و رشد اقتصادی، بالابودن نرخ تسهیلات، افزایش قیمتها، حجم زیاد نقدینگی، سرمایه های سرگردان و درنهایت کاستن قدرت خرید مردم دست به گریبان است. علاوه بر اینها کشور ما از آفتهای دیگر اقتصادی نظیر فراسرمایه، رانت جویی، شفاف نبودن اطلاعات اقتصادی، قاچاق کالا، نارسایی در حوزه تعرفه ها، حجم سنگین واردات کالا، ساختار اقتصادی سنتی، انحصاری بودن بورس، بی انگیزگی در سرمایه گذاری تولیدی، بیکاری و... رنج می برد و کارشناسان از این آسیبها به عنوان موانع توسعه اقتصادی یاد می کنند که برآیند آنها در واقع پدیده ای به نام «رکود اقتصادی» است که نیازمند کنکاش و تحلیل همه جانبه است؛ زیرا این پدیده قطعاً ریشه درخت توسعه را می خشکاند و مانع هرگونه تحول است.

آمار و ارقام رسمی گویای این واقعیت است که زنگ خطر رکود مدتهاست که به صدا درآمده است؛ به طوری که بخشهای ساختمان و کشاورزی طی سه سال اخیر بیشترین کاهش رشد را داشتند، بخش صنعت و خدمات رشد نسبتاً ثابتی را دارا بودند و در مجموع میزان تولید کاهش یافته است. البته تغییر و تحول نظام مدیریت عمومی کشور را که به نوعی بلاتکلیفی در سرمایه گذاران و تولیدکنندگان ایجاد کرده است نیز می توان از عوامل تشدیدکننده رکود حاضر دانست.

در زمینه پدیده «رکود اقتصادی» دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه نخست معتقد به افزایش رکود در چند سال اخیر نیست و براین باور است که رکود اقتصادی از سال جاری آغاز شده و ممکن است در ماههای آینده عمیق شود. این دیدگاه، رکود فعلی را نیز از نوع تورمی نمی داند. دیدگاه دیگر معتقد است که رکود از چهار سال گذشته آغاز شده و از زمستان سال گذشته نیز تعمیق یافته است.

باتوجه به علاقه مندی و استقبال مخاطبان تدبیر بویژه مدیران بنگاهها از طرح مباحث اقتصادی در مجله، این بار تدبیر با دعوت از صاحب نظران و استادان اقتصادی به بررسی و تحلیل «رکود اقتصادی» پرداخته است و شرکت کنندگان محترم درصدد برآمده اند متناسب با وقت جلسه میزگرد به تشریح دیدگاهها و نظرات خود بپردازند. امید است مباحث میزگرد مورد توجه علاقه مندان بویژه سیاستگذاران و مدیران اقتصادی و نیز مدیران بنگاهها قرار گیرد.

مرتضی ایمانی راد: دکتری علوم اقتصادی با گرایش توسعه در برنامه ریزی، عضو هیات علمی کارشناسی ارشد سازمان مدیریت صنعتی



مرتضی بهشتی: دارای تحصیلات عالی در اقتصاد، آمار و مدیریت، دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران



محمد مهدی بهکیش: دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، مولف کتاب «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اینتایا



مرتضی عمادزاده: دکتری تخصصی در اقتصاد نظری، رئیس هیات علمی دوره های کارشناسی ارشد و عضو هیات مدیره سازمان مدیریت صنعتی، مدرس مباحث اقتصادی و بازرگانی، (اداره کننده میزگرد)



شاخص خرده فروشی CPI با سرعت بسیار کم روبه تنزل بوده است. به عبارت دیگر شاخص کالا و خدمات مصرفی در سالهای ۸۱، ۸۲، ۸۳ به ترتیب ۱۵/۸ درصد، ۱۵/۶ درصد و ۱۵/۲ درصد بوده است. اما رکود تورمی موقعی است که این دو شاخص عکس هم حرکت می کنند، یعنی رشد تولید روبه کاهش و شاخص تورم روبه افزایش باشد. اگر شاخص تورم را CPI بگیریم، ما رکود تورمی نداریم، ولی رکود داریم. چنانچه شاخص بهای

می شود این است که بعضی از صاحبانظران با تحلیل برخی از شاخصها هنوز قانع نشده اند که شرایط اقتصادی ما باتوجه به این شاخصها شرایط رکودی است. به هر حال اگر شرایط اقتصادی امروز خودمان را با وضعیت چند سال گذشته مقایسه کنیم شاید به راحتی بپذیریم که حداقل نوعی از وضعیت رکودی در کشور ما حاکم است. مواردی که بیان شد از مواردی است که علاقه مند هستیم باتوجه به زمان محدود جلسه میزگرد مورد تحلیل

دکتر عمادزاده: به نام خدا، ضمن خوشامدگویی به میهمانان ارجمند ماهنامه تدبیر، اساتید محترم مستحضر هستند که موضوع میزگرد درباره رکود اقتصادی به عنوان زنگ خطری برای توسعه است. در این زمینه بحثها و چالشها فراوان است. نرخ بیکاری بالا، رشد اقتصادی نسبتا نازل، سطح عمومی قیمتها و نرخ بهره بالا همگی موجب شرایط رکودی در کشور شده است. به بیان بهتر نوعی از رکود تورمی در وضعیت اقتصادی فعلی ما حاکم است که بالا بودن



عمده فروشی را شاخص تورم بگیریم که این معمول نیست، آن موقع رکود تورمی هم داریم. وقتی که رشد بخشها را بررسی کنیم، می بینیم که از سال ۸۱ به ۸۲ بیشترین کاهش در بخش مسکن و کشاورزی است. یعنی با اینکه بخش مسکن فقط ۴/۵ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد، ولی کاهش این بخش از ۸۱ به ۸۲ خیلی شدید بوده و از ۱۷/۴ درصد به ۱/۳ درصد پایین آمده است.

و بررسی و گفتگو و تبادل نظر قرار گیرد. دکتر بهکیش: براساس نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، رشد تولید ناخالص داخلی کشور در سالهای ۸۱، ۸۲ و ۸۳ به ترتیب ۷/۵ درصد، ۶/۷ درصد و ۴/۸ درصد بوده است. این اطلاعات به وضوح نشان می دهد که در کشور رکود داریم. اگر بخواهیم در همین دوره سه ساله تورم را هم مورد بررسی قرار دهیم، ملاحظه می شود که

نرخ تورم و بهره و نازل بودن نرخ اشتغال و رشد اقتصادی را توأمان دارد. امروز مسأله به کارگیری ظرفیت ها، دچار نقصان فراوان است و سمت عرضه اقتصاد ما کتفش پذیری نسبتا کمی دارد. از طرف دیگر وضعیت بازار بورس بویژه در ۹ ماه اخیر و بخش مسکن ظرف حداقل دو سال گذشته نشان می دهد که فضای اقتصادی ما از یک حالت رکود متأثر است. اما علت اینکه این مسایل با تردید بیان

بحث رکود، باید روی بخش ساختمان و کشاورزی بیشتر تمرکز کرد.

دکتر عمادزاده: بنابراین آقای دکتر بهکیش وجود رکود را در اقتصاد حداقل طی سه سالی که تحلیل کردند تایید می کنند و ریشه هایش را هم عمدتا در بخشهای کشاورزی و مسکن می بینند. چون بنابر تحلیل ایشان، بخش خدمات و صنعت به لحاظ نرخ رشد، نوسان چندانی نداشتند.

بهشتی: بحث اساسی من این است که اقتصاد ما در مقایسه با دنیا، اقتصادی سالم نیست. ما در جهان جزو چند کشوری هستیم که تورم ۲ رقمی داریم و کشورهای مختلف، خود را موظف کرده اند که تورم را کاهش دهند. اصولا مفهوم تورم تقریبا دنیا ازین رفته است. باید علت یابی کرد. چرا می بایست تورم ۲ رقمی داشته باشیم و هر سال نگرانی هایی را پیدا کنیم که الان با آن دست بگریانیم.

چندین سال است که اقتصاد ما دنباله رو سیاست شده است و در واقع جامعه ما جامعه سیاست زده است. تا زمانی که اقتصاد ما اصل قرار نگیرد و سیاست های ارتباطی ما تابع منافع اقتصادی نشود، ما همین وضعیت را خواهیم داشت.

به اعتقاد من باتوجه به شرایط موجود در صنعت و تجارت، پیش بینی می شود که تورم حتی تا ۲۰ درصد هم برسد؛ زیرا هزینه های دولت بالا می رود. هزینه های دولت هم از محل فروش ذخایر ارزی تامین می شود و خود آن هم پول جدید به اقتصاد تزریق کردن است. وقتی این عوامل در کنار هم قرار گیرند نشان می دهد که ما اولاً معمار اقتصاد نداریم، ثانیاً دولت همواره تابع سیاستهای مختلفی است و اقتصاد را تابع سیاستهای خودش کرده و به این ترتیب راه نجات را راه حل های کوتاه مدت می داند. باید اصولی تر به قضیه نگاه کرد و به پایه پرداخت. به نظر من مجله تدبیر تاثیر عمیقی در

در بخش کشاورزی رشد تولید از ۱۱/۴ درصد در سال ۸۱ به ۷/۱ درصد در سال ۸۲ تنزل یافته است. بنابراین کاهش تولید ناخالص داخلی در ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ متأثر از بخش ساختمان و کشاورزی است. در رشد تولید در بخش صنعت و معدن، تغییر زیادی مشاهده نمی شود. ولی اگر آب و برق و گاز را هم در داخل آن ببینیم، مشاهده می کنیم که رشد تولید در این بخش هم به شدت تنزل یافته است. بنابراین معلوم می شود که در بخش برق و آب و گاز هم رکود داشتیم. وقتی که علت کاهش شدیدتر تولید ناخالص داخلی را بین سالهای ۸۲ تا ۸۳ بررسی کنیم، باز هم همان دو بخش مسکن و کشاورزی است که تولید کشور را دچار کاهش کرده است. به این ترتیب رکود سه سال اخیر به شدت تحت تاثیر دو بخش ساختمان و کشاورزی است.

اما جالب اینکه بخش صنعت کم و بیش رشد ثابتی را حفظ کرده و رشد بخش خدمات هم تغییر محسوسی نداشته است. بخش خدمات نزدیک ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی ما را تشکیل می دهد. بنابراین رکود ما بیشتر تحت تاثیر بخش ساختمان و کشاورزی است و بخش صنعت خیلی در آن موثر نیست و تقریبا رشد نسبتاً ثابتی دارد.

دکتر عمادزاده: آقای دکتر شما CPI را در سالهای ۸۱، ۸۲ و ۸۳ به ترتیب ۱۵/۸ و ۱۵/۶ و ۱۵/۲ درصد اعلام کردید. این مساله در تئوریهای اقتصادی با واژه DISINFLATION همراه است. یعنی به آن رکود اطلاق نمی شود، بلکه شرایطی است که فشارهای تورمی کاهش می یابند. بنابراین در این شرایط آیا به نظر شما هنوز بحث تورم رکودی جای تأمل دارد؟

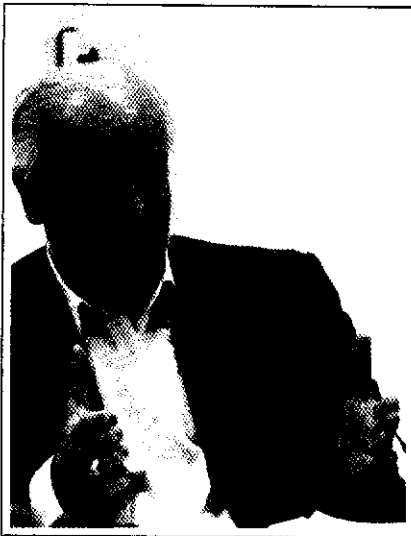
دکتر بهکیش: من قبول ندارم. من معتقدم که تورم ما در این سالها افزایش نیافته است. بنابراین رکود ما از نوع رکود تورمی نبوده است. به نظر من در

سطح مدیران ما دارد و خیلی از مدیران این مجله را می خوانند. لذا لازم است که این قضیه را از دیدگاه دیگر تحلیل کنیم و این هشدار را بدهیم که درست است کسانی که در رأس کار قرار می گیرند به نحوی از طریق سیاسی وارد جریان می شوند. ولی واقعیت این است که باید جامعه توسط کسانی که تدبیر و شناخت اقتصادی دارند اداره شود و منافع ملی در رأس قرار گیرد. از دیدگاه من منافع ملی ما اقتضا نمی کند که به هیچوجه وارد ماجراهایی شویم که ارتباط ما را با دنیا خراب کند. روابط سیاسی ما با بعضی از کشورها نباید به آنها اجازه دهد که تاخت و تازهای عجیب و غریبی در اقتصاد ما داشته باشند و از راههای مستقیم و غیرمستقیم، کالاها را ناصواب خود را وارد این مملکت کنند.

دکتر عمادزاده: آقای بهشتی فرمایشات شما در اساس صحیح است و طبیعی است که اگر ما از آن جنبه ها به گفتگو بپردازیم بحث بسیار وسیع خواهد بود و ممکن است نتوانیم مسائل موردنظرمان را در این میزگرد جمع کنیم. تلاشمان این است که تا حد ممکن بخشی از آن مقولات را که در ارتباط مستقیم با مسأله رکود در اقتصاد است بررسی کنیم. یقیناً هرکدام از ریشه های نکاتی که می فرمایید در شکل گیری رکود موثرند، ولی آن نکات باید مستقلاً موردتحلیل قرار گیرند.

بهشتی: رکود زاییده چیست؟ زاییده تصمیم گیری های غلط ماست. چون بازار آزاد نداریم و بازار ما کنترل شده و انحصاری است. ما بازاری داریم که تحت تاثیر قاچاق کالا است، بازاری داریم که دولت نرخ ارز و نرخ بهره و حتی قیمت کالاها را تعیین می کند.

پس در این اقتصاد شما با عوامل بازار آزاد سروکار ندارید که بخواهید علت یابی و موشکافی کنید. باید به علت اصلی؛ یعنی رفتار دولت در برابر مسایل اقتصادی بازگردیم.



دکتر عمادزاده:

نرخ بیکاری بالا، رشد اقتصادی نسبتاً نازل، سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ بهره بالا همگی موجب شرایط رکودی در کشور شده است.

وضعیت بازار بورس بویژه در ۹ ماه اخیر و بخش مسکن ظرف حداقل دو سال گذشته نشان می‌دهد که فضای اقتصادی ما از یک حالت رکود متأثر است.

در جریان تغییر و تحول نظام مدیریت عمومی کشور به نوعی همه با ابهام و پلاتکلیفی مواجهند و این امر می‌تواند از عوامل ایجادکننده رکود تلقی شود.

بورس یکی از چرخهای گرداننده نقدینگی و سرمایه گذاری است و نمی‌توان مسایل آن را در ظرف ۹ ماه گذشته انکار کرد.

امروز رفتارهای ابهام آمیز، مسیر ورود سرمایه های خارجی را خیلی نارضا و کند کرده است.

باید به محرکه های اثرگذار روی بخش رکود، توجه بیشتری مبذول داشت.



مطلب مهم دیگر کاهش شاخص بورس است. شاخص بورس از چهارده هزار به ده هزار رسیده است. باتوجه به وجود حجم مینا و باتوجه به اینکه این کاهش شاخص با محدودیت جدی مواجه است، این محدودیت در چارچوب مقررات و ضوابط، کاهش اسمی است. درواقع اگر بورس رها شود ممکن است کاهش شاخص بیشتر شود. بنابراین کاهش شاخص بورس تا ده هزار نشان دهنده این امر خواهد بود که به نوعی رکود در اقتصاد حاکم است.

من هیچکدام از اینها را به تنهایی دلیل رکود اقتصادی نمی بینم. ولی وقتی همه عوامل را با هم جمع می کنیم، نشان می‌دهد که رکود در بخشهای اقتصادی کشور درحال گسترش است.

متغیرهای دوگانه

من معتقدم رکود بلندمدت و کوتاه مدت وجود دارد که درحال گسترش است. به نظر می‌رسد که دو دسته متغیر موجب شکل گیری رکود در اقتصاد ایران می‌شود. یک دسته متغیرهای واقعی اقتصادی هستند و یک دسته متغیرات انتظاری که براساس انتظارات مردم و فعالین اقتصادی شکل می‌گیرد. یکی از متغیرهای واقعی که در رکود اقتصادی کشور نقش دارد، مسأله واردات است. در سال ۱۳۸۰ که نرخ رشد شروع به کاهش کرد ما ۱۸ میلیارد دلار واردات داشتیم. این رقم در سال ۸۱ به ۲۲ میلیارد دلار، در سال ۸۲ به ۳۰ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۳ به ۳۷ میلیارد دلار رسیده است. باتوجه به آمار و ارقام شش ماهه اول سال جاری و نیز براساس روند پایان سال ۸۳ کشور ما در پایان سال ۸۴ مبلغ ۴۳ تا ۴۵ میلیارد دلار واردات خواهد داشت.

در سال ۱۳۸۰ دربرابر هر پنج کالای تولیدی، یک کالای وارداتی داشتیم، الان در برابر سه کالای تولیدشده، یک کالای وارداتی داریم. این روند نشان می‌دهد حجم بسیار وسیعی از کالاهای مختلف واردکشور می‌شود. ممکن است عده ای بگویند درآمد ارزی کشور زیاد است و اگر

دکتر ایمانی راد: آقای دکتر بهکیش بحث رکود را در چند سال اخیر از زاویه کاملاً دقیقی مطرح کردند که من کاملاً با آن موافقم و سعی می‌کنم آن بحث را ادامه دهم. به نظر من هم در شرایط فعلی رکود اقتصادی داریم. این رکود از سه، چهار سال گذشته شروع شده است و فقط نکته ای که من می‌خواهم اضافه کنم این است که از زمستان سال ۱۳۸۳ با استفاده از اطلاعاتی که به طور محدود ولی سیستماتیک از بازار جمع آوری کردیم، رکود شروع شده و تعمیق یافته است.

درحال من پدیده تشدید رکود را بحث می‌کنم، کمالینکه بحث رکود را آقای دکتر بهکیش مطرح کردند و آمار و ارقام را هم گفتند.

من آمار چک های برگشتی را نگاه می‌کردم، که به شدت درحال افزایش است. ما در اواسط شهریور ماه از ۵۰ نفر از مدیران راجع به اطلاعات اقتصاد کلان و وضعیت اقتصادی شان سوال کردیم. این عده به طور مشخص از ۹ گروه صنعتی انتخاب شدند و نتایج بررسیها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد تولیدکنندگان دارای کاهش شدید تولید نسبت به سال ۸۳ بودند.

همان طور که آقای دکتر بهکیش اشاره کردند یکی از عواملی که در رکود اقتصادی در چند سال گذشته تاثیر داشته بخش ساختمان است که بحث کاملاً درستی است. اطلاعات بانک مرکزی نشان می‌دهد که در ۳ ماهه اول سال جاری هم، سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش ساختمان پایین آمده و کاملاً رشد منفی داشته است.

علاوه بر این، طبق مطالعات بانک مرکزی، بخش ساختمان دارای بیشترین رابطه فرازونشیب در اقتصاد است و بیشترین رابطه میزان اشتغالزایی را دارد. بنابراین یک بخش استراتژیک در اقتصاد است و این بخش دچار کاهش تولید شده است و اگر آمارهای سه ماهه موجود بود، نرخ رشد بخش ساختمان در تولید ناخالص داخلی منفی می‌بود.

ریسک معاملات بالا رفته است. این عوامل هم باعث کاهش معاملات و توسعه رکود شده است. البته همان طور که عرض کردم بعضی از این عوامل با انتظارات مردم و بعضی هم با بخشهای از متغیرهای واقعی اقتصاد ارتباط دارد.

مجموعاً بخشی از اطلاعاتی که مطرح شد براساس اطلاعات جمع آوری شده از بازار است و بخشی هم از طریق پرسشنامه ای است که در شهریور ماه گذشته تنظیم و جمع آوری شده است.

دکتر عمادزاده: نتیجه گیری من از فرمایشات آقای دکتر ایمانی راد این است که ایشان، نوعی خاص از طبقه بندی را ارائه می کنند. ما در زمستان ۸۳ وارد فضای رکود شدیم و درحال حاضر این رکود اقتصادی تعمیق می شود. اگر مسائل تئوری را دنبال کنیم، یکی از زوایا این است که افزایش واردات باید باعث افزایش مواد اولیه قطعات یدکی شود و عرضه را کاهش پذیرتر کند. منتها علت اینکه نمی توانیم کاملاً کلاسیک جمع بندی کنیم این است که در جریان تغییر و تحول نظام مدیریت عمومی کشور به نوعی همه با ابهام و بلاتکلیفی مواجه هستند و این امر می تواند از عوامل ایجادکننده تشدید رکود تلقی شود.

به بیان دیگر ما وقتی بحث رکود را نگاه می کنیم، می پذیریم که پرداختن به مسائل تئوری می تواند کاملاً پاسخگوی موضوع باشد، در حالی که شواهد جامعه نشان می دهد که پرداختهای مربوط به پروژه های عمرانی به کندی انجام می شود. شایعات درمورد تغییرات مدیران زیاد است. نمونه هایی داریم از اینکه حقوق مدیران را کاهش داده اند. منتها این کاهش، کاهش اسمی و نمادین بوده است، کاهش نبود که منجر به کاهش هزینه های دولتی شود. البته همین تغییر نمادین در رفتار عمومی مدیران تاثیر خود را گذاشته است. در واقع این مسائلی است که می تواند زمینه های عمومی رکود را توسعه بدهد.

و اتفاق بازرگانی تهران داشتم عرض کردم که نرخ رشد بخشهایی از صنعت در سال جاری درحال کاهش است. حالا اگر کسی بگوید آمار را از کجا می آورید؟ من می گویم آمار ندارم. در واقع صحبت من براساس پیش بینی و درک از شرایط و در بازار بودن و جمع آوری اطلاعات است. باتوجه به نرخ برابری بین ریال و دلار، واردات یکی از عوامل رکود است. نکته دوم هم در بخش واقعی اقتصاد؛ یعنی ساختمان است که رکود در رشد ساختمان را نشان می دهد و از متغیرهای بسیار مهم در رکود اقتصادی است.

کاهش پرداختهای دولتی

باتوجه به تغییر دولت در سال جاری، اتفاقی که افتاده این است که با تغییر پستها و بالا رفتن احتمال جابه جایی ها، هزینه ها و پرداختهای دولتی به شدت کاهش یافته است. وقتی یک سری تغییرات سیاسی در بخش مدیریت انجام می شود قاعدتاً پروژه های جدید شروع نمی شود و پروژه هایی هم که درحال انجام است با وقفه روبرو می شود. همین وقفه، رکود را به بخش خصوصی که وابسته به بخش دولتی است منتقل می کند. به عنوان مثال چندین شرکت را که وابستگی به بخش دولتی دارند از لحاظ دریافتها کنترل می کردیم. این شرکتها بدون استثنا در دریافتهای خود از بخشهای دولتی با مشکل مواجه هستند. علاوه بر این بعضی از آنها هم با مشکلات جدی مواجه هستند. به نظر من تغییر دولت و مدیران هم از بحثهایی است که در گسترش رکود تاثیر داشته است.

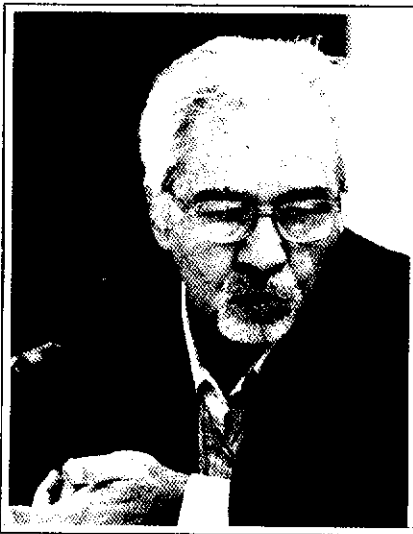
نکته آخر تغییر بافت سیاسی کشور همراه با انتظارات خاص است که در مردم ایجاد شده است. طبیعی است که این انتظارات در همه جهات شکل بگیرد. تغییر یکباره در بافت سیاسی کشور بورس را با کاهش شدید شاخص مواجه کرده است. در سرعت گردش پول هم افت ایجاد شده است. به عبارت دیگر گردش پول کند شده است و آن هم به این دلیل است که

واردات هم زیاد شود اشکال ندارد. پاسخ این است که اشکال دارد؛ زیرا اگر به نرخ ارز نگاه کنیم می بینیم که در چند سال گذشته به ۲/۵ تا ۳ درصد افزایش داشته است. اگر قیمتهای داخلی را هم در نظر بگیریم حدود ۷۰ درصد افزایش داشته است. بنابراین یک نرخ تورم سالیانه ۲/۵ تا ۳ درصد به دلار برای کالای وارداتی می خورد. علاوه بر این بازار جهانی هم به آن اضافه می شود. بنابراین طبیعی است که بازار اقتصادی ایران با شرایطی مواجه می شود که تولیدکننده خارجی هر سال در مقابل تولیدکننده داخلی، وضعیت بسیار بهتری خواهد داشت و در مقابل، تولیدکننده داخلی قدرت رقابتی خودش را از دست می دهد. و در چنین شرایطی طبیعی است که نرخ رشد تولید کاهش یابد. همان طور که آقای دکتر بهکیش اشاره کردند بخش صنعت نسبتاً یکی از پایدارترین بخشها بوده است.

نرخ رشد صنعت تقریباً نزدیک ۱۰ درصد بوده است و جالب اینکه نوک تیز حمله واردات عمدتاً روی بخش صنعت است. به نظر می رسد باتوجه به واردات بسیار زیاد کالا، حمله در بخش صنعت در شش ماهه اول سال ۸۴ آغاز شده است.

دکتر بهکیش: من موافق نیستم، برای اینکه واردات ما از کالای نهایی مصرفی خیلی کم است. واردات ما بیشتر کالاهایی است که در صنعت از آنها استفاده می شود.

دکتر ایمانی راد: دو نکته مطرح است. نکته اول این است که در سال گذشته میزان کالای مصرفی به نسبت سال قبل بالا رفته است و در شش ماهه اول سال جاری نسبت تمایل به سمت کالای مصرفی بیشتر شده است. اما نکته دوم، واردات برای اینکه رکود ایجاد کند لازم نیست حتماً مشابه کالای وارداتی، کالای مصرفی باشد که در داخل تولید شود. من باتوجه به اطلاعاتی که از مسئولان



دکتر بهکیش:

بخش صنعت، تقریباً رشد نسبتاً ثابتی دارد و رشد بخش خدمات تغییر محسوسی ندارد.

من معتقدم که تورم در سالهای اخیر افزایش نیافته و رکود ما از نوع رکود تورمی نیست.

رکود اقتصادی از امسال شروع شده و ممکن است با وضعیت رکود عمیق در ماههای آینده مواجه شویم.

انتظارات نه تنها نقش بسیار قوی در اقتصاد کشور دارد، بلکه بسیار وابسته به فضاهای سیاسی است.

اقتصاد را نمی توان با شوک مواجه کرد. شوک اصولاً اقتصاد را می ترساند.

شکل انتظارات را فقط سیاستمداران می توانند تغییر دهند و در غیر این صورت، پول به سرعت از بخشهای واقعی اقتصاد خارج می شود.

بررسی رشد بخشها نشان می دهد که از سال ۸۱ به ۸۲، بیشترین کاهش رشد در بخش مسکن و کشاورزی است.

این مدت به شدت پایین آمده است، ولی در سه ماهه آخر سال گذشته نسبت به سه ماهه اول همان سال رکود نداشتیم. من تصور می کنم که اقتصاد ما حتی بخش واقعی آن بسیار متأثر از انتظارات است. انتظارات نه تنها نقش بسیار قوی در اقتصاد کشور دارد، بلکه بسیار وابسته به فضاهای سیاسی است.

شاخصهای بورس طی دو ماه اخیر کاهش جدی پیدا کرده است. انتظارات به تریبی شکل گرفته است که هر کاری می کنیم، شاخصها برگشت پیدا نمی کند. علت هم روشن است که انتظار مردم این نیست که شرایط سیاسی ما به سرعت بتواند به یک وضع طبیعی برگردد. وقتی شرایط این گونه است، به سرعت پولها نقد می شود. اگر مانده سپرده بانکها را در این مدت نگاه کنیم به سرعت روبه افزایش گذاشته است و خروج پول از بورس به سرعت بالا رفته است. متأسفانه با آزاد شدن پول از محیط بازار سرمایه به هیچوجه این پول در بخشهای واقعی اقتصاد وارد نشده و به طرف تولید کشاورزی، صنعتی و ساختمان نرفته است، بلکه در بخشهایی رفته است که نقدینگی بسیار بالاتری داشته تا هر لحظه صاحب پول بخواهد بتواند آن را جایجا کند. بنابراین من تصور می کنم سیاستمداران ما باید به این نکته کاملاً توجه کنند که اقتصاد را با هیجان نمی شود اداره کرد و آقای خاتمی در دوره دوم ریاست جمهوری این نکته را خوب متوجه شدند. اقتصاد را نمی توان با شوک مواجه کرد. شوک اصولاً اقتصاد را می ترساند. وقتی پول از یک بخشی شروع به خارج کردن کرد، با همان سرعتی که بیرون می رود به هیچوجه نمی توان آن را به آن بخش بازگرداند. نیرو و زمان زیادی نیاز است تا پول را دوبرتبه به آن بخش بازگرداند. بنابراین یک رکود بلندمدت داریم که سال از ۸۱ آغاز شده است و یک رکود کوتاه مدت که در این چند ماه به شدت حادث شده است. من اینها را بیشتر از انتظارات واقعی مردم می دانم و شکل این انتظارات

آنچه که موجب می شود به این قضایا بیشتر بپردازیم این است که به چیزهایی که می تواند محرکه های اثرگذار روی بخش رکود باشد، بیشتر توجه کنیم. داستان بورس یکی از واقعیات بسیار ملموس جامعه ماست و مسایل بورس در ظرف ۹ ماه گذشته را نمی توانیم منکر شویم. بورس یکی از چرخهای گرداننده نقدینگی و سرمایه گذاری است. به نظر من به این مسائل باید بیشتر پرداخته شود.

دکتر بهکیش: اگر دامنه بحث خیلی گسترده شود اثرات عوامل مختلف را نمی توانیم در بحث غیرریاضی به روشنی تبیین کنیم. تولید ناخالص داخلی به عنوان یک متغیر به حداقل سی متغیر جدی وابسته است که هر کدام اثر خاص خود را دارد. در نتیجه مجبوریم مقداری بخشی صحبت کنیم تا بحث قابل جمع کردن باشد. توجه من از این بابت به ارقام بانک مرکزی است که در شرایط موجود بهترین رقمهایی است که وجود دارد. اشاره شد که در سه ماهه سوم و چهارم سال ۸۳ رکود شروع شده است، اما ارقام خلاف این موضوع را نشان می دهد. تولید ناخالص داخلی ما در سه ماهه اول ۴/۵ درصد، در سه ماهه دوم ۴/۴ درصد، در سه ماهه سوم ۵/۲ درصد و در سه ماهه چهارم ۵/۴ درصد رشد داشته است. بنابراین ما در سه ماهه چهارم سال گذشته براساس این ارقام رکود نداشتیم، بلکه اقتصادمان روبه توسعه بود. به اعتقاد من مبانی بحث را باید روشن کرد و پیشنهاد من این است که جایی که رقم داریم، آن را اصل قرار دهیم و استنباطات خود را به آنها اضافه کنیم، نه اینکه ارقام را کنار بگذاریم و براساس استنباطهای خودمان آن را تحلیل کنیم. من فکر می کنم رکود اقتصادی از امسال شروع شده که ارقامش هنوز بیرون نیامده است.

نقش موثر انتظارات

به اعتقاد من، ما نسبت به سال ۸۱ رکود بلندمدت سه ساله داشتیم و رشد تولید طی



خلاصه اینکه ما رکود خیلی شدیدتری را در ماههای آینده در بخشهای مختلف بخصوص ساختمان خواهیم داشت و قیمت ملک و زمین روبه کاهش خواهد بود. اگر این وضعیت ادامه یابد قیمت ارز روبه افزایش خواهد گذاشت، چون تقاضای ارز روبه افزایش خواهد رفت. بانک مرکزی فعلا طرف عرضه ارز را توانسته است، کنترل کند، ولیکن این مساله خیلی نمی تواند دوام داشته باشد و قیمت ارز روبه افزایش خواهد گذاشت. بنابراین ممکن است ما با وضعیت رکود عمیق در ماههای آینده مواجه شویم و لذا باید خیلی مواظب این اتفاق نامیمون ممکن باشیم.

دکتر ایمانی راد: واردات دو لبه دارد. یک لبه آن حمایت از تولید است، یعنی بخش عرضه اقتصاد را با فراوانی مواجه می کند. از طرف دیگر واردات به هر شکل که باشد رقیب کالای تولیدی ما خواهد بود. زیرا ما به شدت از لحاظ ساختار اقتصادی متنوع هستیم و همه چیز را در چند سال اخیر تولید کردیم. بنابراین هر چیزی که وارد کنیم کم و بیش رقیب تولید داخلی خواهد شد.

وارداتی که انجام می شود توسط تولیدکننده تبدیل به تولید می شود که در مقابلش یک جنس جایگزین از خارج وارد می شود. بنابراین واردات الزاما نمی تواند منجر به افزایش تولید شود. در حالی که آمار سالهای قبل نشان می دهد که تولیدکننده به شدت به درآمد ارزی وابسته است. در آن زمان محدودیت واردات بسیار جدی بود و در نتیجه وقتی ارز وارد بازار داخلی می شد بدون وجود رقابت فروش می رفت و در نتیجه تولید زیاد می شد. ولی الان شرایط تغییر کرده و بنابراین واردات الزاما منجر به افزایش تولید نمی شود.

نکته دیگر اینکه اولاً کالای داخلی سال به سال ارزان تر می شود. ثانیاً تعرفه ها هم هر سال پایین می آید. ثالثاً قیمتها در سطح جهانی هم سال به سال کاهش می یابد. جالب است وقتی که آمریکا و اروپا با مشکل جدی ورود کالای چینی مواجهند و حتی کارشان با چین به تهدید کشیده

است و مدیران صنایع از فضایی که ایجاد شده است به شدت نگرانند. صندوق ذخیره ارزی مدتی است که هیچ نوع فعالیتی از خود نشان نداده است و همین مساله نوعی نگرانی به وجود آورده است.

سرمایه گذاری خارجی که مدیران ما با آن ارتباط برقرار کرده بودند و در حال به نتیجه رسیدن بود متوقف شده است. همین مساله واکنش ناراحت کننده را به وجود آورده است. این حالتها خواه و ناخواه در بحث انتظاراتی که مطرح می شود اثر خودش را در جامعه می گذارد.

دکتر عمادزاده: من یکی از زوایای فرمایشات آقای بهشتی را باز می کنم. در فرمایشات ایشان به آثار این سیاستگذاری بر روابط خارجی ما اشاره شد. من همواره با خودم فکر می کردم که آثار سرمایه گذاری مستقل خارجی که این قدر منابع و تکنولوژی تولید و مدیریتی وارد می کند چقدر می تواند اثرات مثبت ضد رکودی در اقتصاد به وجود آورد. امروزه رفتارهای ابهام آمیز، مسیر ورود سرمایه های خارجی را خیلی نارسا و کند کرده است. یکی از ریشه های رکود همین مساله است که به آن اشاره شد.

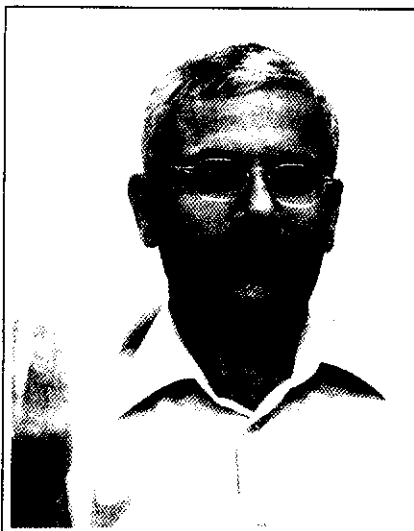
دکتر بهکیش: بورس از این جهت برای مردم اهمیت دارد که نقدینگی آن بسیار بالاست و مردم وقتی بخواهند به سرعت می توانند از آن خارج شوند. البته الان که رکود در بورس حاکم است، هرکس بخواهد نمی تواند پولش را خارج کند، چون دیگر خریدار ندارد. حجم معاملات و خرید و فروشها در بورس به شدت کم شده است. حتی روزهایی که شاخص بورس نزول هم نمی کند، بازار بسیار بسیار لاغر شده است و کسی حاضر به فروش و یا خرید سهام نیست. ارزش پرتفوی اغلب افراد ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر آن چیزی است که سال گذشته بوده است، ولی با این وجود به دلیل نگرانیهایی که دارند نمی توانند بفروشند، برای اینکه خریداری هم با قیمتهای فعلی وجود ندارد.

را هم فقط سیاستمداران هستند که می توانند عوض کنند وگرنه پول به سرعت از بخشهای واقعی اقتصاد خارج می شود.

دکتر عمادزاده: آقای بهشتی فرصتی است که جناب عالی یک مقدار زوایای سیاستگذاری قضیه را باز کنید.

بهشتی: اختلاف بین مجلس هفتم و دولت آقای خاتمی، مقداری از انتظارات را دگرگون کرد و از زمانی که ما وارد انتخابات شدیم، فعالیتهای اقتصادی تحت تاثیر قرار گرفت. مخصوصاً سازمانهای درستی که یک نوع سکون و بی تفاوتی در آنها حاکم شد و بعد هم انتخابات ریاست جمهوری که دگرگونی فکری را در جامعه به وجود آورد. جامعه روندی را طی کرده که حاصل آن، رکودی است که در آخرین فصل سال ۸۳ خودش را نشان داده است. من این مساله را احساس نکردم مگر جزئیات ازبیطاطاتی که بین مجلس و دولت به وجود آمد. بعد از آن ما وارد این مسأله می شویم سازمانهای دولتی ما بلاتکلیفی عمیقی را برای همه به وجود آورده اند. براین اساس امروز ما نمی دانیم که سیاستهای صنعتی مان واقعا چه خواهد بود؟ نمی دانیم سیاستهای کنترل قیمتها چه خواهد بود؟ آیا دولت می خواهد به طرف کنترل قیمتها که در دهه های گذشته حرکت کند؟ یا خیر این گونه نیست؟ این سردرگمی ها یک نوع بلاتکلیفی برای تولیدکنندگان و مدیران بنگاهها به وجود آورده است. در مجلس با قانون برنامه چهارم به عنوان یک راهتما نگاه نمی کنند. سازمانهای دولتی قانون برنامه چهارم را کتاب راهنمای خودشان نمی دانند و تصمیماتی که گرفته می شود گاهی مغایر با تصمیمات برنامه چهارم است.

این نوع پدیده ها باعث شده که نوعی سردرگمی به وجود بیاید و نتوانیم هیچ نوع آماری از فرار سرمایه داشته باشیم. این فضای بلاتکلیفی و انتظاراتی که آقای دکتر ایمانی راد مطرح کردند در جامعه حاکم



دکتر ایمانی راد:

بیش از ۹۰ درصد تولیدکنندگان نسبت به سال ۸۳ دارای کاهش شدید تولید هستند.

دودسته متغیر موجب شکل گیری رکود در اقتصاد ایران می شود: متغیرهای واقعی اقتصادی و متغیرهایی که بر پایه انتظارات مردم و فعالان اقتصادی شکل می گیرد.

واردات یکی از متغیرهای واقعی اقتصادی است که پیش بینی می شود در پایان سال ۸۴ به رقم ۴۳ تا ۴۵ میلیارد دلار برسد.

تغییر دولت و مدیران از عواملی است که در گسترش رکود اقتصادی تاثیر داشته است.

کاهش شدید شاخص بورس، نشان دهنده این واقعیت است که به نوعی رکود در اقتصاد کشور حاکم است.

کاهش پرداختهای دولتی و ایجاد وقفه در انجام پروژه ها، رکود را به بخش خصوصی منتقل کرده است.

در سه ماهه اول سال جاری، سرمایه گذاری بخش خصوصی در بخش ساختمان رشد منفی داشته است.



کالای مصرفی نهایی نباشد، همان گونه که تا حالا نبوده است. البته ممکن است امسال مقداری زیاد شده باشد.

بنابراین من فکر می کنم که با افزایش واردات، کالای نهایی هم ممکن است بیشتر وارد شده باشد، ولی این افزایش از طریق ترانزیت از مملکت خارج می شود. نکته دوم اینکه ممکن است به افزایش انبار منجر شده باشد.

دکتر ایمانی راد: کالای واسطه ای مانند ورق و فولاد وارد می شود. ما تولیدکننده فولاد هستیم. یک کالای واسطه ای شدت رقابت را بالا می برد و تولید آنها را پایین می آورد.

بحث من این است که فرقی نمی کند کالای ما مصرفی واسطه ای یا سرمایه گذاری باشد بحثی که وجود دارد این است که تاجه حد ما در داخل کشور تولید آن کالا را داریم.

بهشتی: بین سالهای ۸۱ تا ۸۳ واردات ما از ۱۸ میلیارد دلار به ۳۶ میلیارد دلار افزایش یافته است و رشد صنعت فقط ۱۰ درصد بوده است. اینها کجا رفته است.

دکتر ایمانی راد: نکته این است که واردات با یک تأخیر و فاصله زمانی اثرش را می گذارد. آن مقدار قابل توجهی که واردات افزایش داشته سال ۸۳ است. پس در اینجا رشد صنعت با مسئله واردات ما ارتباطی ندارد، ولی حجم اقتصاد بیشتر شد.

بهشتی: اگر این گونه باشد، باید تولید صنعتی ما رشد منفی داشته باشد و در واقع رشد صنعت در سال ۸۳ باید به شدت افت کرده باشد.

دکتر ایمانی راد: البته پیش بینی من حدود ۶ تا ۷ درصد است. ولی اینکه یک باره بخش صنعت را منفی کند تصور نمی کنم. نکته دیگر آثار آن روی تورم و تولید ناخالص داخلی است.

چند سازمان بین المللی از جمله مید تورم را بالاتر از رقمی که پیش بینی کرده بودند

شده است، ما به راحتی و بدون هیچگونه سیاستی کالای چینی وارد می کنیم و طبیعی است که این امر رقابت را در تولید زیاد می کند. نتیجه بحث من این است که افزایش واردات کالای واسطه ای الزاما منجر به افزایش تولید نمی شود.

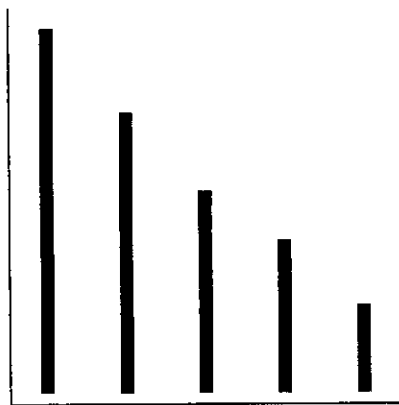
آقای دکتر بهکیش فرمودند رکود اقتصادی به سال ۸۴ کشیده شده و عامل آن را هم انتظارات دانستند. انتظارات هم قاعدتا باید براساس انتخابات شکل بگیرد. درحالی که این رکود از ابتدای سال شروع شده است. شاخص بورس قبل از اینکه بحث انتخابات ریاست جمهوری مطرح شود، شروع به افت کرد. اگر حدود یک ماه به عقب برگردیم می بینیم که شاخص عمومی به سمت کاهش رفته است. آقای دکتر بهکیش برای بخش واقعی اقتصاد در سال ۸۴ سهمی قائل نشدند، یعنی بیشتر بخش انتظاری را مطرح کردند، در حالی که تورم جهانی با تورم جامعه ما حداقل ۱۲ درصد اختلاف دارد. نرخ ارز هم ثابت مانده است.

کالاهایی را که چین وارد بازار ایران می کند هرچند که حجم آن زیاد نیست، ولی خودش یک فشار رقابتی قابل ملاحظه ایجاد می کند. امسال حداقل هر ماه رقمی حدود نیم میلیارد دلار کالای مازاد وارد کشور می شود. آقای دکتر هیچ سهمی برای اینها قائل نیستند. بخشهای واقعی اقتصاد کار خودش را انجام می دهد و در موقع مناسب اثر خود را بر سایر متغیرها و حتی انتظارات می گذارد.

به نظر من انتظارات هم با دو پدیده همراه شده است: یک پدیده بحث بحران هسته ای است و پدیده دیگر تغییرات ریاست جمهوری است. بنابراین در مجموع می توان گفت که هم این دو عامل انتظاری و هم عوامل واقعی اقتصاد در شکل گیری رکود اقتصادی در سال ۸۴ نقش داشته اند.

دکتر بهکیش: بخش صنعت نشان داده است که بخش بسیار پایداری است. حتی طی ده سال گذشته هم بخش صنعت کم و بیش با رشد نسبتا پایداری مسیرش را ادامه داده و نوسان چندانی نداشته است. واردات بسیار زیاد هم ممکن است خیلی

ثبت می شود و در موقع خروجش ثبت نمی شود، این یک مقدار جای تعلل دارد که چه حجمی از واردات به این گونه بوده است. اگر دوطرفش ثبت شده است، ما صادرات را به آن شکل متورم نمی بینیم. بحث دیگر اینکه واردات ما به طور مشخص با یک شیب تندی افزایش می یابد. این پدیده را افزایش درآمدهای نفتی و افزایش یوزانس بهتر می تواند توضیح دهد تا احتمالاً تغییر مسیر واردات به سمت صادرات مجدد.



دکتر بهکیش : طرف عرضه را می دانیم به کجا می رود، ولی طرف تقاضا را نمی دانیم. نه میزان صادرات افزایش یافته است و نه رشد بخش صنعت تغییر کرده است. رشد بخش کشاورزی و بخش ساختمان هم منفی بوده است، پس افزایش حجم واردات کجا رفته است؟

دکتر ایمانی راد : این یک بحث است. قیمت خرید غلط هم می تواند یک بخشی باشد، ولی فرار سرمایه ها از کجا انجام می گیرد؟ بخشی از فرار سرمایه ها از همین جا تامین می شود.

دکتر بهکیش : من نمی دانم چقدر این تحلیل درست است؟ ولی من بسته شدن تعدادی از مرزهای غیرمجاز و تبدیل شدن به واردات رسمی را یک عامل موثر می دانم.

دکتر ایمانی راد : قطعاً اثر دارد، ولی چه حجمی از افزایش واردات را می پوشاند رقم آن مشخص نیست. باتوجه به بحث هایی که صورت گرفت، واردات افزایش می یابد و این مساله هم به خاطر ثابت نگهداشتن نرخ ارز است. بنابراین احساس می کنم اگر نرخ ارز را دولت واقعی تر بکند، این مساله در سالهای بعد می تواند زمینه ساز خارج کردن اقتصاد کشور از رکود اقتصادی باشد. ضمناً باتوجه به اینکه بخش قابل ملاحظه ای از رکود سالهای ۸۳ و ۸۴ ناشی از انتظارات است که به طور روشن در بورس مشخص می شود، دولت باید خیلی شفاف و صریح سیاستهایش را اعلام کند.

چندانی به آمارها داشته باشد، بلکه بیشتر به انتظارات و شایعات و نوع رفتارها نگاه می کند. ما باید در روشهای اقتصادی و سیاسی خودمان دگرگونی ایجاد کنیم. ما ۲۷ سال است که جامعه را، جامعه سیاسی کردیم. در هر جای دنیا اگر توسعه اقتصادی اتفاق افتاده جامعه تفکر اقتصادی داشته و سیاست، دنباله رو اقتصاد بوده است. جامعه ای که می خواهد رشد کند و توسعه یابد، اقتصاددانان باید بر سیاستمداران اولیت و ارجحیت داشته باشد. حاصل این نوع بحثها، رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی و مسائلی است که تمام سیاستمداران دنبال آن هستند.

من باتوجه به صحبت های دوستان، می خواهم توجه دوستان را به این نکته جلب کنم. که دولت امروز با یک بلاتکلیفی فلسفی روبروست یا هنوز چون فلسفه های خودش را اعلام نکرده جامعه را دچار بلاتکلیفی کرده است. این باید روش شود تا مدیران صنایع و بنگاهها و سایرین براساس فلسفه های دولت برنامه های خودشان را تنظیم کنند. در این صورت است که آمارها و تحلیل ها مفهوم دیگری می یابد.

دکتر ایمانی راد : من باز می گردم به آخرین بحثی که آقای دکتر بهکیش مطرح کردند. ما آمار و اطلاعات در اختیارمان نیست و نمی توانیم ارزیابی کنیم که چقدر از واردات به آن شکل بوده است. من احساس می کنم که ممکن است مبلغ بالایی نبوده که وارد کشور شود و ثبت نشود و اگر یک کالایی وارد می شود و

و تولید را پایین تر از آن مقداری که پیش بینی کرده می دانند. بنابراین سازمانهای بین المللی هم به یک سری علایم رسیدند که نرخ رشد را پایین تر آورده اند. لذا آن چیزی که باتوجه به نرخ رشد صنعت ما در چندسال گذشته اتفاق افتاده است در سال ۱۳۸۴ هم قابل پیش بینی است.

دکتر بهکیش : از آن طرف هم در شش ماه اول سال تولید نفت افزایش یافته است.

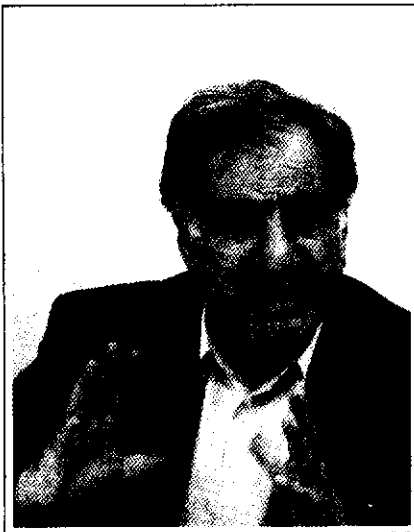
دکتر ایمانی راد : به نظر من امسال تولید نفت کاهش می یابد. در این بخش افزایش قیمت نفت در نظر گرفته نمی شود، بلکه میزان بشکه ای که تولید می شود، مورد محاسبه قرار می گیرد.

سوال بسیار جدی این است که واردات که طی ۲ سال، ۲ برابر شده است، به کجا می رود؟ در پاسخ به این سوال باید گفت واردات از دو طریق ترانزیت و استات پایلینگ خارج می شود. من این دو راه را در اقتصاد خیلی جدی می بینم.

دکتر بهکیش : قابل توجه است که کامیونهای که خارج می شوند و یا کامیونهای عبوری زیر قیمت ارزیابی می شوند. عین این جریان برای دبی اتفاق افتاده است. آمار نشان می دهد که سال گذشته صادرات دبی مبلغ ده میلیون دلار و واردات ما ۵ میلیارد دلار بود. علت این است که یک مقدار کالای قاچاق از دبی می آید. از این قاچاق بخشی در داخل کشور مصرف می شود و بخشی هم خارج می شود.

سال گذشته تعدادی از بازارچه های مرزی را جمع کردند یعنی افزایش واردات نبود، افزایش RECHANNELING واردات بود و در نتیجه یکی از عوامل افزایش واردات همین افزایش RECHANNELING است. بنابراین سال گذشته واردات ما ۱۸ میلیارد نبود، بلکه ۱۸ میلیارد ثبت شده است. اختلاف واردات نباید ۲ برابر باشد، چون اثرش باید در بازار ارز هم مشاهده شود، در حالی که این گونه نیست.

بهشتی : بعید می دانم که جامعه ما توجه



بهشتی:

ما در جهان جزو چند کشوری هستیم که تورم ۲ رقمی داریم.

اصولا مفهوم تورم تقریبا از دنیا رفته است و کشورهای مختلف، خود را موظف کرده اند که تورم را کاهش دهند.

تا زمانی که اقتصاد ما اصل قرار نگیرد و سیاستهای ارتباطی ما تابع منافع اقتصادی نشود، ما همین وضعیت را خواهیم داشت.

باید جامعه توسط کسانی که تدبیر و شناخت اقتصادی دارند اداره شود و منافع ملی در رأس قرار گیرد.

رکود، زاییده تصمیم گیری های غلط ماست.

تصمیماتی که گرفته می شود، گاهی مغایر با تصمیمات برنامه چهارم توسعه است.

مدیران صنایع از فضای بالاتکلیفی که ایجاد شده است نگرانند.

روابط سیاسی ما با بعضی از کشورها نباید به آنها اجازه دهد که از راههای مستقیم و غیرمستقیم کالاهای ناصواب خود را وارد این مملکت کنند.

یک باشد. یعنی اگر واقعا این شرط اتفاق نیفتد، آن وقت مسائل زیرسوال می رود.

بهشتی: تجربه های قبلی نشان داده است که هر وقت قیمت ارز بالا رفته تاثیری در صادرات نداشته است و صادرات ما با هر نرخ ارز، روند ثابتی را طی کرده است. از طرف دیگر با گران تر شدن واردات، حجم قاچاق کالا زیادتر خواهد شد.

دکتر بهکیش: اگر نرخ ارز افزایش یابد، قاچاق کالا هم کم می شود؛ زیرا رقابت پذیری کالاهای داخلی بیشتر می شود.

بهشتی: چون باید گمرکی بیشتر دهد، در نتیجه قاچاق کالا زیاد می شود.

دکتر عمادزاده: بحث ما صادرات غیرنفتی است که ظرف چند سال اخیر از مرز ۴ میلیارد دلار به ۸ میلیارد دلار رسیده است. با تشکر از همه اساتید محترم که در این بحث مشارکت فرمودند. ظاهرا همه دوستان در اینکه به هر حال اقتصاد ما از برخی فشارهای رکودی رنج می برد اتفاق نظر دارند. بنابراین خوب است که به راه حل هایی برای کاهش این فشارهای رکودی فکر کنیم. تسهیل مقررات مربوط به سمت تولید و عرضه کالا و خدمات، تسهیل مقررات گمرکی برای صادرات و واردات، تسهیل مقررات پولی و بانکی، فراهم آوری فرصتهای جذب منابع مالی کوتاه مدت و میان مدت و سرمایه، تسهیل و به روزآوری قوانین کار و امور اجتماعی و تسهیل اعطای تسهیلات از صندوق ذخیره ارزی همگی از مواردی هستند که می توانند آثار مهم و تعیین کننده ای بر فعال تر کردن چرخه اقتصاد ملی برجای گذارند و لوازم واردات خروج از شرایط رکودی را تامین نمایند.

تدبیر: باسپاس فراوان از صاحب نظران شرکت کننده در بحث، امید است مباحثی که از نظر گرامی تان گذشت در شناخت مسایل ناشی از رکود و ضرورت توجه به سرمایه گذاری در تولید مولد در جهت توسعه و شکوفایی اقتصادی کشور موثر و مفید واقع شود. □

یک تولیدکننده که مساله اصلی اش تولید است هنوز نمی داند سیگنال های اقتصادی را بگیرد. بنابراین اگر دولت به طور شفاف سیاستهای خود را سریع اعلام کند، این مساله در کاهش انتظارات خیلی کمک می کند. نکته دیگر اینکه من روی پرداخت ها خیلی تاکید دارم. اطلاعات خیلی گسترده ای ما جمع آوری کردیم که پرداخت های دولت با وقفه جدی مواجه است و این روی شرکتهایی که به نوعی وابسته به بخشهای دولتی هستند اثر بسیار قابل ملاحظه ای می گذارد، به طوری که بخش قابل ملاحظه ای از شرکتهای با بحران نقدینگی مواجهند. تسریع در پرداختهای دولت و تاکید بیشتر روی سیال کردن ارتباط دولت با بخش خصوصی می تواند به کاهش بخشی از رکودی که ایجاد شده است کمک کند.

دکتر بهکیش: به اعتقاد من هر سه نکته ای که آقای دکتر ایمانی راد گفتند، درست است. نکته اول اینکه دولت به غلط فکر می کند که افزایش نرخ ارز به رکود می انجامد. به نظر من افزایش نرخ ارز موجب کاهش رکود می شود. صادرات ما در شرایط حاضر به شدت رو به کاهش می رود و از طرف واردات تحت فشار بیشتر قرار گرفته است. در نتیجه ما در آینده با کاهش بیشتر صادرات مواجه خواهیم شد. بنابراین آنچه که علاوه بر مورد بالا، اقتصاد را می تواند به حرکت درآورد، پرداختهای دولت است که یک مقدار نقدینگی را به جامعه تزریق می کند و تقاضا را برای تولیدات داخلی به حرکت در می آورد. علاوه بر این افزایش نرخ ارز هم نه تنها صادرات را تحرک می بخشد، بلکه واردات را گران می کند و در نتیجه واردات کاهش می یابد.

دکتر ایمانی راد: افزایش نرخ ارز، سطح رقابت را پایین می آورد و در نتیجه تولید داخلی هم افزایش می یابد.

دکتر عمادزاده: البته این امر مشروط به صدق کردن قانون مارشال لرنر در اقتصاد است که می گوید جمع کشش پذیری قیمت واردات و صادرات باید مساوی یا بیش از

